

به بهانه ی هشت مارچ

## وای! اگر زن، خود نجنبند؟

یک آسمان ابری و یک موج بیقرار  
در رنج و آزمون بلا سخت استوار  
در جنگ سرنوشت، صبورانه استوار  
ور او تن است، جان ویم زانکه من زخم

من کیستم؟ ترانه ی غمگین روزگار  
در راه باد های خزان کوه پا بجای  
در عشق زنده گی، هنر نا شکستی  
گر مرد روح زنده گی باشد منش تنم

((س -- ل))

در بزرگداشت از روز زن (۸ مارچ) همه ساله در هر گوشه ی دنیا منجمله در افغانستان گرد همایی های براه انداخته میشود که در آنها از مقام زن ستایش و بر نقش زن در جامعه ی بشری روشنی انداخته شده و از بیداد گریها بی که بر آنها روا داشته میشود یاد آوری شده و این بیداد گریها محکوم میشود، همین و بس .

در کشور ما این بزرگداشت ها تنها در سطح شهر های بزرگ و پایتخت صورت میگیرد، و پس از پایان این گرد هم آیی ها و بزرگداشت ها برپا کننده گان، ناز و تبختر کرده منت میگذارند و زنان اشتراک کننده گویا به تمام حقوق طبیعی و قانونی خود رسیده باشند، شاد و رازی میشوند . و اما اکثریت نزدیک به اتفاق زنان کشور نه تنها که از تمام حقوق انسانی و طبیعی محروم هستند بلکه از آن ها خیر هم ندارند، و با باور به گپ های دینی ملا صاحب که آنرا هم از دهان برادر و پدر و شوهر شنیده اند، (( زن به مانند کشتزار مرد است هرچه او میخواهد میتواند در آن کشت کند و یا اینکه آنرا خاره بگذارد )) .

زنیکه شوهر، با پیشانی باز همایش سخن بزند خوش بخت و سپید بخت است، وای به حال زن به (( بد )) و به (( بدل )) داده شده و سیاه بخت، که مرگ را بر زنده گی ترجیح میدهد ((درین باره نوشته ی دیگری به زبان پشتو نگارش یافته است))

در دهکده ها و ساحات دور افتاده، زن به مثابه مال و متاع تلقی شده و از کمترین حقوق انسانی بی بهره است . خوشنما تر اینکه در شهر ها نیز تلقیبات ازین بهتر نیست . همین چندی قبل آقای محقق ، یکی از رهبران جهادی گفت و گویی داشت با تلویزیون آریانا :

گوینده ی تلویزیون از ایشان پرسید که ازدواج کرده اند یا نه ؟ آقای محقق روی خود را به طرف اتاق مجاور دور داده و با پوز خود اشاره کنان گفت که :

(( یک چهار تا اونجا هست )) . من و پرسنده و شاید جمهور بیننده ها فکر کردیم که اتاق پهلو، مرغانچه ، آغیل گوسپندان و یا اسطبل است .

که در بین آن چهار قطعه مرغ یا چهار رأس مواشی موجود است . هنگامی که آقای محقق متوجه نگاههای پرسشگر پرسنده شد ، تبسم کنان افزود :

((منظورم زنهاست)) .

آری هموطن عزیز ! مقام زن در جامعه ی سنتی و خرافاتی من و تو اینست .

ناگفته نگذیریم، کسیکه میگوید (( چهار تا اونجا هست )) علاوه از آنکه حاجی است ادعای تحصیلات عالی در سطح دکتورا در الاهیات نیز دارد .

با در نظر داشت این واقعیت ها که در بالا کاهی از کوهی بازتاب یافت، آیا بسنده است که جانبداران اعاده ی حقوق زنها با براه انداختن گردهم آیی ها و نشست ها خودرا قانع سازند ، وزن ها تنها با شرکت در آنها دل خوش کنند ؟ آیا انسان های بزرگیکه با دادن زنده گی خویش هشت مارچ را آفریده اند به همچو نمایشات میان تهی بسنده بودند ؟ که نه هرگز نه .

آیا بزرگ زنانی چون روزا . لوکزامبورگ و یارانش آزادی و سپس زنده گی خودرا درین راه نگذاشتند ؟ پس باید به روشنی و به جهر گفته شود که حق و آزادی داده نمیشود بلکه گرفته میشود و نمیتوان آنرا به دست آورد مگر در نتیجه ی مبارزات آگاهانه ، یکدست ، بی امان و پیگیرانه . و اینست بهترین شکل بزرگداشت و برگزاری هشت مارچ ، روز جهانی

همبستگی زنان سراسر جهان . و ارج گذاری به جان فشانیهای پیش کسوتانی چون کروپسکا یا ، روزا لوکسامبورگ ، کلار اتسکین ، تروشکوا ، اندهیرا گاندی و دیگران .

د پانو شمیره: له ۱ تر ۲

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابلئې. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

: دلپکني د ليکنيزې بني پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په خیر و لوی

(( و اما زن هموطن من که در غربت و دور از میهن زنده گی میکند، لجاجت های روشنفکرانه ی ناشی از شرایط دشوار دوری از وطنداران، نزدیکان و وطن را نباید مبارزه در راه به دست آوردن جایگاه در خور خود بنامد. چه داستان های اسفبار لجاجت دو جانبه زنان و شوهران در اروپا و امریکا و ...، اینک به یک تراژیدی مضحک تبدیل شده است )) .

پس - وای اگر زن ، خود نجنبید و بزور بازو و تدبیر ، زنجیر های مرد سالاری ، خرافات سالاری ، تبعیض جنسی و عدم تساوی حقوق زن و مرد را در همه گستره ها از هم نپاشد .

\*\*\*\*\*

در پایان این سیاه مشق ، طنزگونه یی را به منظور آوردن لبخند زود گذری به لبان خنده ندیده ی زن هموطنم مینگارم :

طنز :-

پروفسور یکیه بیشتر از شصت سال داشت و در فکولته ی حقوق استاد بود و بادوشزه ی کمتر از بیست ساله ازدواج کرده و تازه از ماه عسل برگشته بود، پرسشیرا به این شرح مطرح و از شاگردان خواست تا پاسخ دهند :

(( نخست یک حالت حقوقی را بیان بدارید که قانونی و مشروع باشد ولی منطقی و عاقلانه نباشد. دوم یک /کیس / یا حالت حقوقی را بیان بدارید که قانونی و مشروع نباشد ولی معقول و منطقی باشد، سوم یک/کیس / یا حالت حقوقی را بیان بدارید که هم قانونی باشد و هم منطقی و عاقلانه )) .

شاگرد لایق و ژرف نگری از جای خود بر خاسته و اینچنین پاسخ خود را پیش کرد :

(( استاد بسیار ببخشید که برای ارایه پاسخ ، شما مخاطب من هستید .

نخست اینکه شما با یک دوشیزه ی که بیشتر از چهل سال از شما کوچکترست ازدواج کرده اید این یک کار قانونی و شرعی است ولی منطقی و معقول نیست.

دوم اگر این دوشیزه با یک جوان هم سن و سال خود روابط عاشقانه برقرار کند این کارش نامشروع و خلاف قانون میباشد ولی معقول و منطقی است .

سوم اگر شما همین حالا رفته و این دوشیزه ی جوان را با دادن طلاق اجازه بدهید که با جوان دلخواه خود ازدواج و زنده گی کند این کار شما هم قانونی و هم عاقلانه و منطقی است )) .

پایان

---

د پانو شمیره: له ۲ تر ۲

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

: دلپکني د ليکنيزې بڼې پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په خیر و لولئ